



۵۴



هیئت حسینی گلشهر سنت عزاداری افغانستانی ها در محرم رازنده نگه داشته است

عشق بی مرز حسینی

عکس: نسیم گلی/شهرآرا

حسن دانش پور از خانه پدری بازی های کودکانه و روزهای قدیم محله می گوید
بافتن خاطره در تابستان پيله كشي

۶



خیابان تجاری منطقه ما با آسفالت فرسوده، دست و پنجه نرم می کند
چاله های مصلی ۱۵
چالش هر روز کسبه

۳

کودکان گلشهری در افتتاحیه بخش کودک و نوجوان نشریه محلی «گل شهر» هنر آفرینی کردند
قصه های کاغذی در محله شهید آوینی

۷

شما می‌توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۱۵۹۱۳۱۳۲۵ در پیام‌رسان ایتا بفرستید.

شما چه خبر

نمادی از ترویج فرهنگ فرزندآوری

هفته گذشته، مسجد و حسینیه حضرت ابوالفضل (ع) در محله مهدی آباد، هفته گذشته، شاهد صحنه‌هایی پر از احساس و معنویت در اولین همایش شیرخوارگان حسینی بود. در این مراسم که ویژه بانوان و مادران دارای نوزاد برگزار شد، ۱۵۰ مهمان شرکت کردند. برنامه‌های این همایش شامل قرائت زیارت عاشورا، دکلمه و سرود خوانی هیئت نوجوانان، متوسلین به حضرت رقیه (س) بود. هدف از این اجتماع، عرض ارادت به ساحت حضرت علی اصغر (ع) و حضرت رقیه (س) و همچنین ترویج فرهنگ فرزندآوری در سطح محله بوده است.



گرامیداشت صبر مادرانه در مجتمع مهدیه مهرآباد

سید محمد عطائی همایش باشکوه شیرخوارگان حسینی در محله مهرآباد برگزار شد. این مراسم که با یادآوری رشادت‌های خاندان پیامبر (ص) فضایی آکنده از معنویت داشت، با حضور ویژه همسر شهید جنگ تحمیلی سوم، علی اکبر ساکت، زینت یافت. نوای گرم کریلایی میثم ترکمان در این محفل، دل‌های بانوان حاضر را کریلایی کرد. این اجتماع که در مجتمع مهدیه برگزار شد، یادآور این حقیقت است که راه سرخ حسینی همواره با ایستادگی مادران و تربیت نسلی عاشورایی تداوم خواهد یافت.

شور حسینی در بوستان آلاله‌ها

دهه اول محرم امسال، بوستان آلاله‌ها در محله شهیدآوینی به کانون تجمع مشتاقان حضرت اباعبدالله... الحسین (ع) تبدیل شده است. این مراسم عزاداری که به همت ستاد مردمی امام‌خامنه‌ای و با همکاری پهنه شهید عصمتیان برگزار می‌شود، هر شب پذیرای حدود ۲ هزار و ۵۰۰ عزادار حسینی است. فضای معنوی این بوستان با برنامه‌های متنوعی همچون روضه خوانی، نوحه خوانی و سینه زنی همراه است تا پیام عاشورا به بهترین شکل منتقل شود. خادمان این هیئت علاوه بر برگزاری مراسم عزاداری، با تدارک پذیرایی شام، به نحو شایسته‌ای از مهمانان سیدالشهدا (ع) میزبانی می‌کنند تا پیوند عاطفی مردم با نهضت حسینی مستحکم‌تر شود.



تابستانی پرشور و آموزشی در مسجد

با آغاز فصل تابستان، مسجد امام‌زمان (ع) در محله امیرالمؤمنین (ع)، برنامه‌های اوقات فراغت ویژه‌ای را برای کودکان و نوجوانان تدارک دیده است. در بخش آموزشی، کلاس‌های متنوع نقاشی و آموزش زبان‌های انگلیسی و عربی با بهره‌گیری از ظرفیت مربیان بومی و فعالان فرهنگی همان مسجد برگزار می‌شود. علاوه بر مباحث علمی، فعالیت‌های ورزشی نیز در زیرزمین مسجد شامل فوتسال و تنیس روی میز دایر شده است. هم‌اکنون حدود دویست کودک و نوجوان از این خدمات بهره‌مند هستند و کلاس‌ها تا پایان تابستان ادامه خواهد داشت.



شهید عزیز، افتخار محله

طی مراسمی با حضور مسئولان شهرداری منطقه ۵ و اعضای شورای اجتماعی محله، از «پلاک افتخار» منزل شهید غلامرضا وزیری در بولوار شهیدای تاکسی‌رانی واقع در محله حسین آباد رونمایی شد. شهید وزیری از ساکنان این محله بود که بهمن سال ۱۳۶۵ در دوران دفاع مقدس به شهادت رسید.

توسعه پیاده‌روسازی در منطقه ۵

امسال، سه پروژه پیاده‌روسازی در معابر منطقه ۵ (از جمله بولوار شهید اسماعیل پور و خیابان کرامت) با اعتباری بالغ بر ۵۱ میلیارد تومان در حال اجراست. این پروژه‌ها که حدود ۱۸ هزار مترمربع را شامل می‌شوند، در قالب طرح «پیشخان زیارت» با هدف بهسازی مسیر تردد زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی تا پایان سال تکمیل خواهند شد.

اجرای روکش آسفالت در محلات بازآفرینی

طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴، ۳۷ هزار مترمربع روکش آسفالت در محلات هدف بازآفرینی منطقه ۱۵ اجرا شده است. با توجه به اینکه برنامه کلی شامل ۹۴ هزار مترمربع آسفالت ریزی است، ۵۷ هزار مترمربع باقی مانده در دستور کار قرار دارد و پیگیری‌های برای تأمین و تقویم اعتبارات لازم به منظور تکمیل سریع این پروژه‌ها در حال انجام است.

با حضور مدیران آموزش و پرورش ناحیه ۵ از پزشک و خیر مدرسه‌ساز، قدردانی شد

تجلیل از ۱۷ دهه طبابت و مدرسه‌سازی

عطائی هفته گذشته در راستای تکریم مقام خیران نیک‌اندیش و الگوسازی برای نسل جوان، جمعی از مسئولان آموزش و پرورش ناحیه ۵ با محمود دل‌آسایی، پزشک پیشکسوت و خیر مدرسه‌ساز، دیدار و گفت‌وگو کردند. در این دیدار صمیمانه، علی صباغیان، رئیس آموزش و پرورش ناحیه ۵، به همراه تعدادی از مدیران این ناحیه حضور داشتند و با اهدای لوح سپاس و هدیه‌ای، از هفت دهه تعهد، تخصص و مدرسه‌سازی محمود دل‌آسایی تجلیل کردند. مدرسه دخترانه دولتی دکتر محمود دل‌آسایی در محدوده ناحیه ۵ مشهد و در شهرک شهید رجایی، خیابان حر ۵۶ قرار دارد و هزینه ساخت آن توسط این خیر تأمین شده است.



شهر خبر

۵



خیابان تجاری منطقه ما
با آسفالت فرسوده، دست و پنجه نرم می‌کند

چاله‌های مصلی ۱۵ چالش هر روز کسبه

سحر نیکو عقیده کافی است وارد خیابان مصلی ۱۵ شوید تا نشانه‌های فرسودگی در همان نگاه اول خودنمایی کند. سطح خیابان در بخش‌های مختلف دچار نشست شده و ترک‌های طولی و عرضی، چهره این معبر را ناهاهننگ و ناایمن کرده است. برخی از قسمت‌ها نیز به مرور زمان به چاله‌هایی تبدیل شده‌اند که عبور خودروها از روی آن‌ها باتکان‌های شدید همراه است.

این خیابان که یک معبر تجاری برای کلی‌فروش‌ها محسوب می‌شود، یکی از مسیرهای پررفت و آمد محله است. اینجا محل تردد خودروها، موتورسیکلت و عابر پیاده است. با این حال، فرسودگی آسفالت در سال‌های اخیر به یکی از دغدغه‌های مهم ساکنان و کسبه محدود و تبدیل شده است.



هم قدم



● ● خسته از هزینه تعمیر خودرو

محمود داوودی که بیش از پانزده سال در این خیابان کلی‌فروشی کالاهای سوپرمارکتی دارد، می‌گوید وضعیت آسفالت هر سال بدتر از سال قبل شده است. او با اشاره به ناهمواری‌های متعدد مسیر اضافه می‌کند: خیلی از راننده‌ها وقتی برای اولین بار وارد خیابان می‌شوند، اصلاً انتظار چنین وضعیتی را ندارند. بارها دیده‌ام خودروهان‌گهان داخل چاله‌های افتند و صدای برخوردشان در خیابان می‌پیچد. به گفته او، برخی رانندگان برای فرار از چاله‌ها ناچار می‌شوند به سمت مخالف، منحرف شوند که همین موضوع احتمال بروز حادثه در این خیابان شلوغ را افزایش می‌دهد. او ادامه می‌دهد: مردم از هزینه‌های تعمیر خودرو خسته شده‌اند. هر کاسبی رامی‌بیند، از خرابی جلوگیری می‌کند. کم‌کم فنر یا لاستیک گلايه دارد. این خیابان مدت‌هاست نیاز به آسفالت اساسی دارد.

● ● ایجاد گودال آب در زمستان

فاطمه نظری، از ساکنان قدیمی یکی از کوچه‌های فرعی مصلی ۱۵، مشکل را فقط به چاله‌ها محدود نمی‌داند. او می‌گوید: فرسودگی آسفالت در فصل‌های مختلف مشکلات متفاوتی ایجاد می‌کند. در پاییز و زمستان به خاطر آسفالت فرسوده و چاله‌ها اینچاقدم به قدم گودال آب ایجاد می‌شود و عبور از خیابان را سخت می‌کند. او معتقد است رسیدگی به این خیابان نباید بیش از این به تأخیر بیفتد: «این معبر فقط محل رفت و آمد اهالی نیست و خیلی از خودروها برای رسیدن به خیابان‌های اطراف از این مسیر عبور می‌کنند. انتظار داریم حداقل شرایط تردد را بهبود ببخشیم».

● ● کاهش رفت و آمد مشتریان

رضا کبری که در ابتدای این معبر کلی‌فروشی قهوه دارد، می‌گوید

وضعیت نامناسب آسفالت حتی بر کسب و کار مغازه‌داران نیز تأثیر گذاشته است. او می‌گوید: بعضی مشتری‌ها وقتی برای پارک کردن یا ورود به خیابان با این ناهمواری‌ها روبه‌رو می‌شوند، ترجیح می‌دهند سراغ خیابان‌های دیگر بروند. شاید در نگاه اول موضوع مهمی به نظر نرسد، اما برای کسبه‌ای که درآمدشان به رفت و آمد مردم وابسته است، همین مسائل هم تأثیرگذار است.

رضا کبری معتقد است اجرای یک روکش آسفالت مناسب می‌تواند بخش زیادی از مشکلات موجود را برطرف کند و چهره خیابان را هم بهبود بخشد.

حالا ساکنان و کسبه مصلی ۱۵ امیدوارند با رسیدگی به وضعیت آسفالت این معبر، مشکلاتی که سال‌هاست با آن دست و پنجه نرم می‌کنند کاهش پیدا کند؛ مشکلاتی که بخشی از زندگی روزمره اهالی این خیابان شده است.

● ● پیگیری و بررسی وضعیت آسفالت مصلی ۱۵

در پی گلایه ساکنان و کسبه خیابان مصلی ۱۵ درباره وضعیت نامناسب آسفالت این معبر، موضوع را از شهرداری منطقه ۶ مشهد پیگیری می‌کنیم. رئیس اداره فنی و عمران شهرداری منطقه ۶ بیان می‌کند: تاکنون درخواست رسمی از سوی کسبه یا ساکنان این محدوده برای رسیدگی به وضعیت آسفالت این خیابان ثبت یا اعلام نشده است.

محسن خادم پیر توضیح می‌دهد: در اولین فرصت، کارشناسان را برای بررسی وضعیت موجود به این خیابان اعزام می‌کنیم تا شرایط آسفالت و نیازهای این معبر از نزدیک بررسی شود.

این مسئول درباره زمان اجرای عملیات روکش آسفالت نیز می‌گوید: با توجه به شرایط موجود و تعطیلی کارخانه قیر، امکان اجرای عملیات روکش آسفالت در مقطع زمانی فعلی فراهم نبوده است. خادم پیر تأکید می‌کند: با بهبود شرایط و تأمین مصالح، این معبر در اولویت رسیدگی قرار خواهد گرفت تا مشکلات شهروندان و کسبه کاهش پیدا کند.

ایستگاه پذیرایی عاشقان حسینی

ایستگاه صلواتی محله چهنونیش چمن ۵۹ هم‌زمان با برگزاری تجمعات شبانه عزاداران حسینی، هر شب با چای و دم‌نوش میزبان عاشقان امام حسین (ع) است. این برنامه به همت شورای اجتماعی محله چهنونیش شکل فرهنگی مذهبی محفل جوانان انصارالمهدی (عج) اجرایی شود و به مدت ۲۱ شب تا پایان دهه دوم ماه محرم ادامه خواهد داشت.

هشدار سرعت‌گیر در مصلی شرقی

عملیات خط‌کشی سرعت‌گیرها در محدوده تقاطع خیابان قمر بنی‌هاشم (ع) و مصلی شرقی، خروجی مصلی شرقی به میدان مصلی و همچنین رینگ میدان مصلی در سمت مصلی شرقی انجام شد. این عملیات با هدف افزایش ایمنی تردد شهروندان، ارتقای انضباط ترافیکی و کاهش خطر وقوع تصادفات در این محدوده‌ها انجام شده است.

کاشت درخت‌های کم‌آب طلب در بزرگراه بسیج

شهرداری منطقه ۶ مشهد در اقدامی برای بهسازی محیطی و افزایش فضای سبز، حدود هزار اصله درخت و درختچه از گونه‌های مقاوم و کم‌آب (از جمله ارغوان، طاووسی و توری) را در آیلندهای میانی و جانبی بزرگراه بسیج کاشت. انتخاب گونه‌های کم‌آب طلب در این طرح، با هدف مدیریت بهینه منابع آبی صورت گرفته است.



شهر خبر



عطائی، شهردار منطقه ۶، از امضای تفاهم‌نامه مشخص شدن سهم و تعیین تکلیف اراضی موسوم به «خوشدل» در محدوده بازه شیخ واقع در محله پورسینا خبر داد.

امیر رضائی با اشاره به اهمیت این توافق در حل مسائل مالکیتی منطقه تصریح کرد: اراضی مورد نظر با مساحت حدود ۶ هزار مترمربع، از جمله عرصه‌هایی است که تعیین تکلیف آن می‌تواند نقش مهمی در رفع گره‌های ملکی و تسهیل روند اجرای پروژه‌های عمرانی و ساختمانی داشته باشد. شهردار منطقه ۶ ادامه داد: یکی از اولویت‌های مدیریت شهری، بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های موجود در محلات و فراهم کردن شرایط مناسب برای توسعه متوازن و پایدار است. تعیین تکلیف این اراضی نیز در همین راستا دنبال شده است و می‌تواند زمینه‌ساز اجرای طرح‌های مختلف عمرانی و مسکونی در محله پورسینا باشد.

رضائی افزود: با اجرای مفاد این تفاهم‌نامه، امکان برنامه‌ریزی دقیق‌تر برای توسعه کالبدی محدوده و استفاده بهینه از عرصه‌های شهری فراهم خواهد شد. این اقدام همچنین فرصت‌های جدیدی برای سرمایه‌گذاری در منطقه ایجاد می‌کند.



شهردار منطقه ۶ از تعیین تکلیف اراضی ۶ هزار متری محله پورسینا خبر داد

**تفاهم‌نامه‌ای
برای تسریع
توسعه شهری**

هیئت حسینی گلشهر، سنت عزاداری افغان

عشق بی م

مریم دهقان | فرش‌ها یکی یکی در حیاط مدرسه شهیدکاشانی محله نیزه پهن می‌شود. تعداد فرش‌ها و خادمانی که آن‌ها را پهن می‌کنند، آن قدر زیاد است که نمی‌توان سرانگشتی حساب کرد؛ هم فرش‌های فیروزه‌ای رنگ شش‌متری که بوی حرم امام رضا^(ع) را می‌دهد، هم پسرپچه‌ها. دو سماور بزرگ توی ایستگاه صلواتی در حال قل‌زدن است تا چای ریز مجلس، قوری‌ها را برای دم‌کردن چای روضه آماده کند. چند پسرپچه جلو در مدرسه نقش کفش‌دار را دارند و به عزادارانی که وارد مجلس می‌شوند، کیسه پلاستیکی می‌دهند. یکی از بزرگان مجلس،

عزاداری تا ۱۳ شب

یکی دیگر از مراسم ویژه این هیئت، «گهواره کشتی» در شب نهم است که هیئت حسینی آن را متعلق به حضرت علی اصغر^(ع) می‌داند؛ زیرا معتقدند آخرین یار امام حسین^(ع) که کوچک‌ترین سرباز است، در روز آخر به شهادت می‌رسد؛ به همین دلیل، این روز را برای شش ماهه کربلا عزاداری می‌کنند. محمد حسین خاوری، یکی از اعضای قدیمی هیئت، درباره این مراسم می‌گوید: شب نهم، خانم‌ها گهواره‌ای نمادین را تزئین می‌کنند. این گهواره نیز طی سال در منزل یکی از اعضای هیئت نگهداری می‌شود و برای آوردنش به مراسم، باید نذری پای آن‌ها داد. در حالی که روضه حضرت علی اصغر^(ع) را می‌خوانند، گهواره به هیئت آورده می‌شود. آن رازوی دست‌ها، به سمت خانم‌ها می‌برند که گویی آن‌را به خیام امام در کربلا برده‌اند.

شام غریبان هیئت حسینی نیز متفاوت است. آن‌ها برخلاف ایرانی‌ها که در گروه‌های کوچک، به خیابان می‌آیند و شمع روشن می‌کنند، به صورت متمرکز در هیئت حضور دارند و شمع روشن می‌کنند. خاوری توضیح می‌دهد: شام غریبان، یادسته به سمت حرم امام رضا^(ع) حرکت می‌کنیم. مراسم ماتاشب سیزدهم ادامه دارد و روز آخر، باشله مشهدی از میهمانان پذیرایی می‌کنیم. بعد از آن علم‌راکه از شب هفتم در هیئت گذاشته ایم، برمی‌گردانیم و اصطلاحاً می‌گوییم «علم را پاییین می‌آوریم» و روضه را تاسال بعد جمع می‌کنیم. علم در خانه یکی از بزرگان هیئت نگهداری می‌شود؛ آنجا هم نذری باید داد تا بگوییم عزاداری مورد قبول امام قرار گرفته است.

علم‌کشی به نام علم‌دار کربلا

با اینکه سال‌هاست همه خادمان و هیئت‌امانای هیئت حسینی در ایران زندگی می‌کنند و جوان‌ترهایشان در همین کشور به دنیا آمده‌اند، عزاداری این هیئت بر اساس فرهنگ دینی افغانستان برگزار می‌شود. مراسم آن‌ها تا سیزده شب به چند دلیل ادامه دارد؛ ابتدا حرکت اسرای کربلا به سمت کوفه، دوم عزاداری شب سوم شهادت امام حسین^(ع) و سوم عزاداری شهادت امام سجاد^(ع).

در این شب‌ها چند مراسم ویژه بر مبنای تاریخ کربلا برگزار می‌شود. نخست مراسم «علم‌کشی» در شب هفتم که آن را متعلق به حضرت عباس^(ع) می‌دانند و دلیلش این است که طبق روایات، علم‌دار کربلا برای نخستین بار در چنین شبی، خود را به فرات رساند و مشک خود را آب کرد؛ عزاداران هیئت حسینی این شب را منتسب به حضرت ابوالفضل^(ع) می‌دانند.

علم چوبی هیئت که تزئین شده است، طی سال در خانه یکی از پیرغلامان نگهداری می‌شود. در شب هفتم، پیش از شروع مراسم معمول عزاداری، تعداد زیادی از جوانان و پیرغلامان و خادمان، سینه‌زنان از جلو هیئت به سوی آن خانه می‌روند و ذکر مصیبت می‌خوانند تا آن علم‌راکه برایشان بسیار مقدس و باارزش است، بر دوش علم‌دار بگذارند. قبل از اینکه به سوی هیئت برگردند، باید چیزی، نذر این علم‌کنند که کمترینش، به گفته پیشکسوتان هیئت، حلوی سرخ یا همان حلوی بربری معروف است. بعد از ادای نذر، سینه‌زنان پشت سر علم‌دار تا محل هیئت، نوحه می‌خوانند و عزاداری شب هفتم را آغاز می‌کنند. تا آخرین شب عزاداری، علم در جای مشخصی از هیئت قرار می‌گیرد. بعد از آن و تا سال بعد، علم به امانت در منزل یکی از پیرغلامان نگهداری می‌شود.



داستان جلد

حلقه‌ای برای انسی بیشتر

خاوری دلیل شکل‌گیری این هیئت را این گونه تعریف می‌کند: بعد از آنکه شوروی به افغانستان حمله کرد، بسیاری از هم‌کیشی‌های من به ایران مهاجرت کردند و در همین محله گلشهر ساکن شدند. آن زمان اینجامثل امروز آباد و پر از خانه نبود. زمین‌های خاکی زیادی داشت. مهاجران دهه ۶۰ برای اینکه فرهنگ و آیین خود را حفظ کنند و کنار یکدیگر باشند، هیئتی به نام «حسینی» تشکیل دادند که پدر من هم جزو حلقه اولیه بود.

این هیئت به همت مرحوم واسق که از روحانیون مهاجر بود و چند روحانی دیگر که از همان ابتدا، مراسم خود را در مسجد امام زمان^(عج) همراه برادران ایرانی‌شان برپا می‌کردند، تشکیل شد.

محمد حسین خاوری پنجاه سال دارد و سال ۱۳۶۰، وقتی حدوداً شش ساله بود، با پدرش به هیئت حسینی می‌آمد. او اولین مکانی را که این هیئت برای برگزاری مراسم خود دست و پا کرد، به یاد دارد. به گفته خاوری، در گلبوی ۱۶، زمینی توسط خیری برای ساخت مسجد امام زمان^(عج) در نظر گرفته شد و بچه‌های هیئت دست به دست هم دادند و آجر به آجر آن را خشت کردند و دیوارهای مسجد را بالا بردند. او فقط شش سال داشت و با دست‌های کوچکش که به زحمت می‌توانست یک آجر را جابه‌جا کند، در ساخت این مسجد سهیم شد.

هزینه‌ها با خودمان است

طاهر واعظی یکی از پیرغلامان هیئت حسینی است که جوان‌ترها را هدایت می‌کند تا بتوانند هیئت را برگردانند. او درباره حضورش در این هیئت و نحوه آشنایی‌اش می‌گوید: ۴۵ سال است که ساکن همین محله هستم و از سال ۶۰ با هیئت حسینی آشنا شدم. وقتی دیدم هیئتی از مهاجران در محله تشکیل شده است، با ذوق و شوق به آن پیوستم و از همان نوجوانی در آن خدمت می‌کردم. واعظی که بیش از شصت سال دارد، مهم‌ترین دلیل ماندگاری‌اش در هیئت را عشق و علاقه به امام حسین^(ع) عنوان می‌کند و ادامه می‌دهد: وقتی یک نفر به امام حسین^(ع) علاقه مند می‌شود، دیگر دلش نمی‌خواهد از او جدا شود. آدم‌های این هیئت هم به عشق خدمت به امام، در این هیئت هستند.

او می‌گوید: این هیئت منظم است و خادمانش با همین رویه بزرگ کار و خدمت می‌کنند. همه هزینه‌های هیئت با خودمان و میهمانان این هیئت است و بانی مشخصی ندارد. با اینکه اغلب ماکارگر هستیم، از جان و دل برای برپایی هیئت هزینه می‌کنیم.





هیئتی کوچک همراه پدر

جوان های هیئت حسینی برای برپایی و بالابردن علم آن، نقش ویژه ای دارند. یکی از آن ها حسن رحیمی، مدیر اجرایی و از جمله اعضای جوان هیئت امناست که در ایران و در محله شهید آوینی به دنیا آمده و همین جا بزرگ شده است. رحیمی تا صحبتش را آغاز می کند، خاطرات کودکی و علاقه اش به حضور در هیئت در ذهنش تداومی می شود و می گوید: شش هفت سال بیشتر نداشتم. پدرم ضبط دو کاسته داشت که هر شب صدای هیئت را با آن ضبط می کرد. خیلی دوست داشتم همراه پدرم به هیئت بروم ولی به خاطر کمبود جا در شب های شلوغ هیئت، به ویژه تاسوعا و عاشورا، بچه ها اجازه ورود نداشتند تا نظم هیئت به هم نخورد. به بهانه اینکه به پدرم کمک کنم و نوحه ها را ضبط کنم، با او به مسجد امام زمان (عج) می رفتم و جزو معدود بچه هایی بودم که آن شب ها در هیئت عزاداری می کردم.

رحیمی از همان بچگی یابند هیئت حسینی شد. می گوید: از سیزده چهارده سالگی دیگر پای ثابت هیئت بودم و یک شب هم آن را از دست نمی دادم. بعد از دواج نیز در هیئت حضور می یافتم؛ البته فقط مستمع و سینه زن بودم و در کارهای اجرایی، با آنکه چند بار از من خواستند، شرکت نکردم. تا اینکه سال ۹۰ وارد سیستم اجرایی و از سال ۹۷ عضو هیئت امنایم شدم.

ستانی ها در محرم را زنده نگه داشته است

روز حسینی

دستگاه کارت خوانی برای جمع آوری خیرات و نذورات مردمی دارد. چند جوان هم پای دستگاه صوت ایستاده اند و دارند باند ها را برای شنیدن صدای مداح و روضه خوان آماده می کنند. بیشتر عزاداران این مجلس، افغانستانی هستند و از جان و مالشان با همه وجود برای امام حسین (ع) خرج می کنند. این عاشقان حسینی بعد از ۴۵ سال فعالیت، در سال ۱۴۰۲ به عنوان بزرگ ترین هیئت مهاجران افغانستان در کشور ایران شناخته شدند و علم برپایی «هیئت حسینی» را سال هاست در گلشهر مشهد استوار نگهداشته اند و نسل به نسل به دست آیندگان خود می رسانند.

در حیاط مدرسه، جای سوزن انداختن نیست

رحیمی همان جوان هیئتی است که باعث رونق بیشتر هیئت و اجرای باشکوه تر آن شده است و توانست از طریق اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی، سال ۱۴۰۳ و در دوره ریاست جمهوری شهید رئیسی، عنوان بزرگ ترین هیئت مهاجران در ایران را دریافت کند. این خادم جوان هیئت، داستان فعالیت هیئت در مدرسه شهید کاشانی را این طور تعریف می کند: بعد از آنکه دیگر اجازه نداشتم مراسم را در مسجد امام زمان (عج) که حدود ۲۵۰ متر بود، برگزار کنیم، چند سالی در مساجد دیگر مانند محمدرسول... (ص)، ابوالفضل و صادق الائمه (ع) در همین محله شهید آوینی مراسم را برگزار کردیم تا اینکه به کرونا رسیدیم.

کرونا که شیوع پیدا کرد، رحیمی و دیگر اعضای هیئت امنایکی دو ماه مانده به محرم سال ۹۹، تنها یک دغدغه برای هیئت داشتند و آن، اینکه با وجود شرایط سخت و محدودیت هایی که در کشور وجود داشت، مراسم را کجا برگزار کنند. رحیمی می گوید: یک روز داشتم در کوچه های شهید آوینی ۴۱ با یکی دیگر از دوستان هیئت امنا قدم می زدم که ناگهان چشمم به حیاط مدرسه شهید کاشانی افتاد. چون باید مراسم را در فضای باز برگزار می کردیم، پیشنهادش را به هیئت امنا دادم اما با استقبال خوبی مواجه نشد.

دلیل موافقت نکردن هیئت امنا با این پیشنهاد، هزینه ها، نگرانی از اجرای مراسم و مردمی بود که در زمان شیوع کرونا حضور در مراسم ترس داشتند؛ با این حال رحیمی اصرار می کند و با اطمینان خاطر به هیئت امنای می گوید «نگران نباشید، کارهایش با ما، و شد آنچه که هیچ کس تصورش را نمی کرد. او ادامه می دهد: وقتی اعلام کردیم مراسم کجاست، در خواب هم نمی دیدیم تا این حد استقبال شود. طوری شده بود که شب های پنجشنبه و ششم، حیاط پراز جمعیت شد.

امروز، هیئت حسینی از یک مراسم هفتصد هشتصد نفری، به مراسمی ۵، ۶ هزار نفری در حیاط ۱۸۰۰ متری مدرسه شهید کاشانی در شهید آوینی ۴۱ رسیده است که از شب های ششم به بعد، جای سوزن انداختن هم در آن پیدا نمی شود و برای خانم ها بیرون از مدرسه و در کوچه فرش پهن می کنند.

برای خوشحالی امام حسین (ع)

خوشحال می شوند، من هم سعی می کنم همین کار را انجام بدهم. از طرفی خدا در قرآن گفته است که اگر به دیگران کمک کنیم، همان خوبی به خودمان برمی گردد... محمد این حدیث را که در کتاب «هدیه های زندگی»، کلاس سوم نوشته شده، یاد گرفته و در ذهنش حک کرده است.

کوثر حسینی، یکی از خادمان نوجوان، از سال گذشته پای ثابت این هیئت شده است و می گوید: سال های قبل هم می آمدم اما از سال گذشته که خادم انتظامات شدم، هر وقت مراسم باشد، حتما می آیم و حتی یک شب را از دست نمی دهم. کوثر با ذوق و شوق فراوان می گوید: هر سال برای رسیدن این ماه که بتوانم در هیئت باشم لحظه شماری می کنم و به همین دلیل، محرم را از ماه های دیگر بیشتر دوست دارم.

بعد از گفت و گو با تعدادی از خادمان پیشکسوت و پیرغلامان و اعضای هیئت امنای هیئت حسینی، به سراغ خادمان نوجوان و جوان می رویم تا از حال و هوای خود بر ایمان بگویند. محمد احمدی نه ساله است و چوب پری در دست دارد که نشان می دهد خادم کوچک این هیئت است. محمد از پنج سالگی به همراه پدرش که او نیز خادم است، به این هیئت قدم گذاشته و می گوید: ما زودتر از شروع مراسم به اینجا می آییم. گاهی فرش پهن می کنم و بعضی وقت ها پلاستیک برای کفش به مردم می دهم.

با اینکه فقط ۹ سال دارد، حرف جالبی می زند: چون امام حسین (ع) گفته اند دوست دارند ما به بقیه کمک کنیم و از این کار ما



حسن دانش پور از خانه پدری، بازی های کودکانه و روزهای قدیم محله می گوید

بافتن خاطره در تابستان پيله كشي

محله گردی

ایستگاه اول



○ خانه پدری مادر خیابان اروند ۶۸ قرار داشت؛ خانه ای با یک اتاق خواب که برای خانواده پرجمعیت ماچندان بزرگ نبود. با این حال، بهترین خاطرات زندگی ام در همین خانه شکل گرفت. خانه همیشه پر از رفت و آمد و سرو صدا بود. با وجود سادگی خانه، فضا گرم و صمیمی بود.

نیکو عقیده | حسن دانش پور بیشتر سال های زندگی اش را در محله اروند گذرانده است. سال ۱۳۶۸، وقتی نوجوانی پانزده ساله بود، همراه خانواده اش به این محله آمد. همین جا مدرسه رفت، ازدواج کرد، بچه هایش را بزرگ کرد و هنوز هم در همین خیابان اروند زندگی می کند. با وجود ویلچر نشینی و محدودیت هایی که دارد، اهل یک جانشستن و کاری نکردن نیست. او در همان سن و سال نوجوانی در گاراژ اردکانی در پنجره مشغول به کار شد و اقلام را بسته بندی می کرد. پس از آن هم چند سالی را در شرکت اتوبوس رانی به عنوان بلیت فروش سپری کرد. اما فعالیت های حسن آقابه این ها ختم نمی شود. او دلش برای محله اش می تپد و برای همین عضو هیئت امنای مسجد امام حسن مجتبی (ع) و همچنین فعال فرهنگی در حوزه کودکان و نوجوانان محله است. با حسن دانش پور در کوچه های خاطراتش در این محله قدم زدیم.

ایستگاه دوم

○ آن زمان بعد از خانه های مازمین های کشاورزی و باغ ها شروع می شد و اطراف پراز زمین های خالی بود. وقتی همراه خانواده به این محله آمدیم، با وجود محدودیت جسمانی که داشتیم، خیلی زود با بچه های محل دوست شدیم و بیشتر وقت ها در همین زمین های خالی بازی می کردیم. هفت سنگ یکی از بازی های محبوبمان بود. اما من بیشتر از همه، تپله بازی را دوست داشتم.



ایستگاه سوم

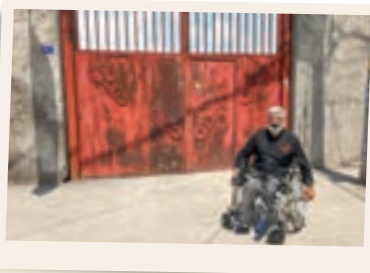
○ قدیمی ترین آهن فروشی اینجا متعلق به آقای اکبرزاده بود؛ جایی که حالا به نمایشگاه خود رو تبدیل شده است. بچه که بودیم، جلو مغازه می ایستادیم و با کنجکاوی رفت و آمد کارگرها را تماشا می کردیم. برای ماکه تفریح زیادی نداشتیم، دیدن جرثقیل ها و بار زدن آهن ها هم جذاب بود.



ایستگاه چهارم

ایستگاه پنجم

○ انتهای خیابان اروند ۶۸ یک مرغداری بزرگ بود که صاحبش راهمه به اسم «حاجی» می شناختند. آدم خیزی بود و به خانواده های نیازمند مرغ رایگان می داد. سال ها بعد، حاجی این زمین را وقف درمانگاه امام زمان (عج) کرد و حالا به دفتر با یگانگی درمانگاه تبدیل شده است.



ایستگاه ششم

○ وقتی ما به این محله آمدیم، هنوز مسجد امام حسن مجتبی (ع) ساخته نشده بود. حدود دو سال بعد در سال ۱۳۷۰ ساخت مسجد شروع شد. هر کس به اندازه توانش کمک می کرد. من هم هر کاری که از دستم برمی آمد، انجام می دادم. گاهی از خانه برای کسانی که مشغول کار بودند، چای و شربت می آوردم؛ گاهی هم در کارهای کوچک کمک می کردم.

○ در همین کوچه، پيله كشي احمد آقا قرار داشت؛ جایی که نخ ابریشم تولید می شد و حالا به یک خانه مسکونی تبدیل شده است. من در نوجوانی یک تابستان در همین کارگاه مشغول کار و از نزدیک با این حرفه آشنا شدم. احمد آقا و خانواده اش که در این کار فعالیت داشتند، بسیار مهربان و خوش برخورد بودند.



کودکان گلشهری در افتتاحیه بخش کودک و نوجوان نشریه محلی «گل شهر» هنر آفرینی کردند

قصه‌های کاغذی در محله شهید آوینی

عیدگاه

همچنین از اینکه می‌توانم خودم را با بچه‌ها یکسان ببینم و گاهی به دوران کودکی خود برمی‌گردم و خاطرات برایم زنده می‌شود، لذت می‌برم.

● اوقات خوش کودکی

محبابه احمدی سیزده ساله است و در کلاس هفتم درس می‌خواند. او همراه عمه و برادرش به برنامه آمده است و مشغول درست کردن یک گل زیباست و نظر خودش را درباره این دوره می‌گوید. این‌گونه بیان می‌کند: من از طریق عمه ام از این برنامه مطلع شدم. در اینجا نقاشی کشیدم و کار دستی درست کردم. وقتی می‌بینم بزرگ‌ترها به بازی ما کودکان نگاه می‌کنند، می‌فهمم کودک بودن، فرصت بزرگی است که اکنون آن را داریم.

سبحان جعفری یازده ساله که کلاس پنجم را تمام کرده، پسر بازیگوش و باادبی است که درباره برنامه می‌گوید: برنامه قصه‌های کاغذی خیلی مفید است و فعالیت‌های متنوعی انجام می‌دهیم؛ مثلاً با کمک دوست‌هایم نقاشی یک هندوانه خندان را کشیدم و با آموزش مربی‌ها قورباغه کاغذی و اژدهای کاغذی درست کردم. ساعت حدود ۷ عصر و برنامه روزه پایان است؛ برای پایان این روز شاد، مهمانان و همراهانمان به دعوت مدیر بازار بزرگ ملل به تماشای رایگان یک فیلم طنز در پردیس سینما بازار مهمان می‌شوند.

را دارد. او می‌گوید: قصه‌های کاغذی، طرحی است که توسط صد بچه غلامحسین زاده و مرجان حسین زاده، دو هنرمند گلشهری، به نشریه محلی گل شهر ارائه شد و در سه بخش داستان نویسی، نقاشی با مداد رنگی و ساخت کار دستی با استفاده از هنر کاغذ و تازدن آن، به منظور استعداد یابی و شناخت ظرفیت‌های محلی با حضور کودکان و نوجوانان و همیاری جمعی از فعالان اجتماعی برگزار می‌شود. انسیه درباره حس خوب کار با بچه‌ها می‌گوید: با شرکت در این برنامه احساس خوبی دارم. کار با بچه‌های این محدوده و محله را خیلی دوست دارم؛ چون آن‌ها خیلی زود با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند و دوست دارند کارهای جدید را یاد بگیرند.

مرضیه میرزاپور در طبقه ششم بازار بزرگ ملل در محله شهید آوینی شور و حال عجیبی به پا کرد. کودکان و نوجوانان گلشهری دور هم جمع شده‌اند تا در کنار هم لحظه‌های خوشی بسازند. بچه‌ها کلاه‌های رنگی روی سر گذاشته‌اند که نمای دل‌نشین به برنامه داده است. شور و شوق کودکان حاضر در برنامه، فضا را پر کرده و انرژی در سالن موج می‌زند. برخی از خانواده‌ها که در کنار فرزندشان نشسته‌اند، لبخندی به لب دارند و از این شادی سهم می‌برند. هفته گذشته به مناسبت افتتاحیه بخش کودک و نوجوان نشریه محلی «گل شهر» و هفته خانواده، به همت مسئولان بازار بزرگ ملل، بنیاد فرهنگی اجتماعی افغانستانی‌های مقیم جمهوری اسلامی ایران و این نشریه محلی، برنامه «قصه‌های کاغذی» برای کودکان و نوجوانان برگزار شد. این برنامه با استقبال کودکان و نوجوانان گلشهری همراه بود.

● شناخت ظرفیت‌های کوچک

بانوی جوانی با دقت به بچه‌ها یاد می‌دهد چگونه اوریگامی درست کنند. انسیه ابراهیمی شورآبی، طراح و گرافیک، یکی از مربی‌های آموزشی در بخش ساخت کار دستی است که برای اولین بار تجربه حضور در چنین فعالیت‌های اجتماعی



نوجوان محله پورسینا، با تغییر رشته ورزشی آرزوهای خود را دنبال می‌کند

هدف بزرگ‌تر یک دفاع چپ

امید محله

تا توانایی‌هایم را بیشتر بشناسم.

● بهترین خاطره فوتبالی تو مربوط به چه زمانی است؟

یکی از بهترین خاطراتم مربوط به مسابقات لیگ دسته ۲ شهرداری در آبان سال گذشته است. در یکی از رقابت‌ها توانستم عنوان بازیکن برتر زمین را کسب کنم. همچنین در مسابقات جام دوستی که سال ۱۴۰۴ در زمین چمن برکت برگزار شد، به عنوان بازیکن برتر زمین انتخاب شدم. شنیدن این موضوع از داوران و مسئولان مسابقه برایم خیلی ارزشمند بود و انگیزه بیشتری به من داد.

● تا به حال پیشنهاد حضور در تیم‌های دیگر را داشته‌ای؟

چند بار چنین پیشنهادهایی داشته‌ام. سال گذشته در یکی از مسابقات، یک مربی از اصفهان، من را برای حضور در تیم سپاهان دعوت کرد. از این پیشنهاد خیلی خوشحال شدم، اما آن زمان شرایط رفتن به شهر دیگری و دور شدن از خانواده را نداشتم.

● بزرگ‌ترین آرزویت در فوتبال چیست؟

دوست دارم در آینده یک فوتبالیست مطرح شوم و پیراهن تیم ملی را بپوشم و برای کشورم افتخار کسب کنم. همچنین دوست دارم بعد از سال‌ها فعالیت در فوتبال، وارد حوزه مربیگری شوم و تجربه‌هایی را که به دست آورده‌ام، در اختیار نسل بعدی بازیکنان قرار دهم.

● فکر می‌کنی مهم‌ترین ویژگی یک فوتبالیست موفق چیست؟

به نظر من، پشتکار از هر چیزی مهم‌تر است. ممکن است امکانات کم باشد یا شرایط همیشه مطابق میل آدم پیش نرود. اما اگر کسی تلاشش را ادامه دهد، می‌تواند به هدفش نزدیک‌تر شود.

می‌کند علاوه بر آموزش فوتبال، به پیشرفت فردی بازیکنان هم کمک کند.

● اولین مسابقه رسمی را که در آن شرکت کردی، به یاد داری؟

مسابقات محلات بود که شهرداری در زمین چمن مفتح برگزار کرد. برای اولین بار بود که در یک رقابت رسمی شرکت می‌کردم. برخلاف خیلی از بازیکنان استرس نداشتم و سعی کردم فقط روی بازی خودم تمرکز کنم.

● در چه پستی بازی می‌کنی؟

در حال حاضر دفاع چپ هستم و از بازی در این پست رضایت دارم. البته علاقه مندم که در آینده، پست‌های دیگر را هم تجربه کنم.



نیکو عقیده | حمیدرضا پهلوانی نوجوان محله پورسینا، پنج سال پیش، ورزش را با ژیمناستیک شروع کرد و حتی موفق شد چند عنوان استانی در این رشته به دست آورد. با این حال علاقه به فوتبال و تشویق دوستانش باعث شد مسیر تازه‌ای را انتخاب کند. خانواده‌اش با دیدن این علاقه، او را در کلاس‌های فوتبال ثبت نام کردند و از همان زمان، قدم‌هایش در این مسیر جدی‌تر شد. حمیدرضا حالا در تیم شاوان زیر نظر مصطفی صفری تمرین می‌کند و آرزو دارد روزی در سطح بین‌المللی بدرخشد و برای کشورش افتخار آفرینی کند.

● چطور شد که از ژیمناستیک به فوتبال رسیدی؟

با تماشای فوتبال بازی کردن دوستانم بیشتر با این رشته آشنا شدم و به آن علاقه پیدا کردم؛ هر چه زمان می‌گذشت، احساس می‌کردم فوتبال را بیشتر دوست دارم و دلم می‌خواهد در این رشته فعالیت‌م را ادامه بدهم.

● فوتبال را از کجا شروع کردی؟

حدود چهار سال پیش، وارد کلاس فوتبال شدم و تمرین‌هایم را در زمین چمن رجا در بولوار حر شروع کردم.

● چه زمانی با مربی فعلی‌ات آشنا شدی؟ همان سال با آقای مصطفی صفری آشنا شدم و به تیم شاوان پیوستم. مربی‌ام همیشه تلاش



چهنو، مصلی، کارمندان اول، کارمندان دوم، شهید آقامصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، شهید معقول، کشاورز، پورسینا، اروند، انصار، شهید باهنر، شهید بسکابادی، شهید شیرودی، شهیدرستمی، کوی ۲۲ بهمن، کنه‌بیست، شهیدرجایی

محلات منطقه‌ها

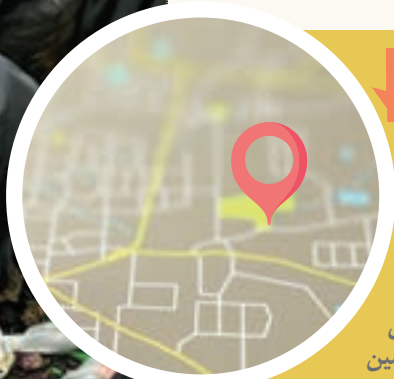
مهدی‌آباد، رضائیه، سجاده، حسین‌آباد، مهرآباد، امیرالمؤمنین(ع)، نیزه، شهید آوینی، ثامن، کوی سلمان، جلالیه



شهر بانوحسن زاده یکی از اهالی پای کار و فعالان است که هر سال برای برگزاری این مراسم به بی بی معصوم کمک می‌کند. او که در آشپزخانه مسجد حجت (عج) مشغول ریختن چای است، توضیح می‌دهد که این مراسم مذهبی، کاری جمعی است که هر کس، بخشی از آن را بر عهده می‌گیرد. بانوان و همسایه‌ها از روزها قبل کنار هم جمع می‌شوند؛ هر کدام کاری را پیش می‌برند، یکی چای تعارف می‌کند، دیگری آشپزی می‌کند... همه کمک می‌کنند که این رسم قدیمی هر سال پررنگ‌تر از قبل برگزار شود.



بی بی معصوم واقعی می‌گوید این مراسم در سال‌های اول در خانه خودش برگزار می‌شد، اما هر سال که گذشت، تعداد شرکت‌کنندگان بیشتر شد و دیگر فضای خانه جواب‌گوی جمعیت نبود. حالا چندسالی است که علم‌بندان رادر مسجد برگزار می‌کند. این رسم فقط محدود به اهالی محله مشعل‌نمانده است و حتی از روستاهای اطراف برای شرکت در این مراسم می‌آیند.



روایت ۲۵ ساله علم‌بندان در محدوده خیابان مشعل

بی بی معصوم و رسمی که ماندگار شد

نیکو عقیده هر محله‌ای در آغاز ماه محرم، رسم و شیوه خودش را برای استقبال از این ماه دارد؛ آیین‌هایی که نسل به نسل چرخیده‌اند و به بهانه آن‌ها، اهالی دور هم جمع می‌شوند. در محدوده خیابان مشعل محله حسین‌آباد، یکی از همین رسم‌های قدیمی بانام «علم‌بندان» برگزار می‌شود؛ آیینی که به گفته اهالی، مخصوص همین محله است و در جای دیگری دیده نمی‌شود.

این رسم ۲۵ سال پیش با پیگیری بی بی معصوم واقعی جان‌گرفت؛ پیرزن هفتاد و سه ساله‌ای که بعد از خوابی که دید، تصمیم گرفت هر سال در روز اول ماه محرم در مسجد محله روضه‌ای برپا کند. در این مراسم، پس از روضه خوانی، علم مسجد به میان اهالی آورده می‌شود و مردم روسری‌ها و پارچه‌های خود را به آن می‌بندند تا نذرشان ادا شود. بعد از مراسم هم سفره‌نذری پهن می‌شود و بی بی معصوم شله می‌دهد؛ رسمی که حالا برای مردم مشعل، بخشی از آداب و رسوم شروع ماه محرم شده است.



زهرآخام چهار سال است که از شهرک رضوی همراه همسایه‌اش در این مراسم حضور پیدا می‌کند و حالا شروع ماه محرم برایش با همین آیین گره خورده است. او هر سال پارچه‌ای به علم می‌بندد، نیت می‌کند و به امام حسین(ع) توسل می‌جوید؛ با این امید که گرهی از زندگی‌اش گشوده و خواسته‌هایش برآورده شود.



عکس: سحر نیکو عقیده/شهرآرا

مریم خاکپور، دختر بی بی معصوم، یکی از کسانی است که از ابتدای مراسم تا پایان آن، کنار در مسجد می‌ایستد و به مهمان‌ها خوشامد می‌گوید. برای او این مراسم فقط یک رسم سالانه نیست؛ بلکه بازندگی‌اش گره خورده است. مریم خانم می‌گوید حضور در این مراسم برایش برکت‌های فراوان داشته و هر سال از مدت‌ها قبل، چشم‌انتظار رسیدن روز علم‌بندان است.